



من به فرهنگ و بخصوص فرهنگ توسعه ( culture of development ) آنطور نگاه میکنم که رونالد اینگلهارت جامعه شناس و اندیشمند سیاسی دانشگاه میشیگان به موضوع فرهنگ نگاه کرده است ، نگاهی توأماً با توسعه همه جانبه در میدان عمل ،وی که بیمایشی ( survey-research ) تحقیق میکرد و حکم صادر مینمود ودر بیش از 225 مقاله نظرات و عمل کرد های خود را نشان داده ، نگاهی به فرهنگ با ملاحظه با عرفان و نظریه جامعه شناختی فرامادیگرایی داشته و مبتنی بر عقاید انسانی و ارزشها بوده است ، اگر کسی کار او را در اثر فرهنگی اروپا نگاه کند خواهد دید که به صراحت ، بین توسعه اقتصادی اروپا و توسعه فرهنگی یک همگرایی معنا دار ترسیم کرده است ، یعنی من این گونه باور دارم که در جریان توسعه پایدار ، فرهنگ هم ساخته میشود ، و اینکه اول بایستی فرهنگ ساخت و بعد بر روی آن ، اقتصاد بنا کرد ، حرف غلطی است.

وی در نظریه انقلاب آرام (The Silent Revolution-1977) ، یک تحول نسلی و اساسی در ارزشهای جمعیت جوامع پیشرفته صنعتی کشف کرد، در سال 1989 در کتاب تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی وی از داده هایی که از پیمایش طولی از 20 کشور از سال 1970 تا 1988 جمع آوری کرده بود استفاده کرد تا تغییرات فرهنگی را به صورتی که نسل جوان به تدریج جایگزین نسل مسن در جمعیت بزرگسال میشود را تحلیل کند. این تغییرات به نظر می رسد بر حسب نرخ رشد اقتصادی جوامع و نوع توسعه اقتصادی که آن جوامع دنبال می کنند متغیر باشد. تغییرات اقتصادی، تکنولوژیکی و اجتماعی- سیاسی، فرهنگ جوامع صنعتی پیشرفته را در طول چند دهه گذشته تغییر داده است. اینگلهارت در انقلاب آرام به بررسی تغییرات در اعتقادات دینی، انگیزه کار، کشمکش های سیاسی، نگرش نسبت به کودکان و خانواده ها، و نگرش نسبت به طلاق، و غیره پرداخته است.

شبیبه به همین نگاه را من در رابطه با خصوصیات کشورم دارم ، باید طرح توسعه پایدار ( با سه موتور توسعه که این قسمت پنجم آنست ) از طریق طرح آمایش سرزمین آغاز شود و برابر آموزه های اقتصاد مقاومتی + فرهنگ توسعه ، رفتارهای توسعه طلبانه و پیشرفت در عوامل انسانی طرح رخ دهد وگرنه ما در چرخه وسیکل تنوریهای گذشته، همچنان دور خود می چرخیم ، اینگلهارت دو فرض محوری را مبنای کار خود قرار می دهد:

1- فرضیه کمیابی (scarcity) ، ناظر بر این امر است که اولویت‌های خاص فرد ، بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی‌اش میشود و شخص خواهان کوشش در این راه ، بیشترین ارزش‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود که عرضه آن‌ها نسبتاً کم است.

2- فرضیه اجتماعی‌شدن، که اصل را بر این قرار می‌دهد که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده بازتاب شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی وجود داشته است (اینگلهارت و آبرامسون، 1378: 62).

ما دقیقاً درچنین وضع و هویت فرهنگی قرار داریم ، فرهنگ غرب از طریق رسانه هدف دار به خورد ما میدهند که خود غرب ، دچار صدها مشکل از چنین فرهنگی است ( به مقاله من تحت سوغات غرب در آدرس [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) مراجعه کنید) و اگر ما بخواهیم در این مورد قیاسی بکنیم می توانیم یک راست برویم سراغ اسلام که عرضه آن در دانشگاه های ما که اقتصاد و فرهنگ درس میدهند ومایه های آنرا از غرب گرفته اند واسلام کمتر مطمع نظر آنان است ، وفرض دوم وی دال بر این فهم بزرگ است که ارزش های اساسی جامعه ریشه در طول سال های قبل از بلوغ دارد یا ریشه در تاریخ ملی ومذهبی ملت ها دارد واین موضوع با کمی اختلاف اینگونه می گویم که جامعه به فرهنگ نیاکان خود پایبند است.

بین ماهیت ارزشی مورد بحث او با ماهیت ارزشی ما تفاوت های زیادی وجود دارد ، ما در این جا به دنبال کپی برداری نیستیم ، ما به مفروضات مطروحه کار داریم ، فرض کمیابی اولویت دار وفرض بازتاب های فرهنگ گذشته که او با فرهنگ غربی وتازه گوئی ها وکشف های خود، از ارزش های قابل استفاده ، در توسعه فرهنگی – اقتصادی غرب وبخصوص اروپا وام گرفته است ، حکم یک راهنما را دارد ، وبا این راهبرد ولی با وجه اسلام ناب محمدی (ص) ومایه های فرهنگی با شکوه ایرانی – اسلامی ، به عنوان روح طرح توسعه ، آموزه های عملی طرح را نمایان می سازیم .

من این بحث را با شرح وبسطی فراوان وبا سه محور تغییر در زمینه های توسعه ، هنجارهای فرهنگی وساختار ودر 150 قاعده در علم مفید آورده ام وبا پروژه توسعه با سه موتور توسعه پایدار اقتصاد سبز، اقتصاد مقاومتی وتوسعه صنعتی ایران در دو بخش درون گرا وبرون گرا با چندین جداول متنوعی که شامل فهرست های از همین تغییرات است تاکنون در 5 قسمت ارائه شده و برابر پیش بینی خودم تا 50 قسمت خواهد رسید وکاری ندارم که آی امن بکار میگیرم ویا دیگران ، این جزء مقدرات الهی است که جزء خداوند متعال کسی نمیداند ، شاید هم پس از فوت من در کشوردیگری بکار گرفته شود ومن باید به تکلیفی که مدتها مقرر شده است، عمل کنم.

تغییرات در تفکر توسعه گرائی جدید که در بحث فوق آمده به شرح زیر است:

1. فرهنگ ذاتاً دگرگون شونده ودگرگون کننده وامری پویا وجریان ساز است واین پویائی وجری وانطباق آن را از عوامل موفقیت های (SF-success factors) جدید توسعه و بصورت های

- القائی ، آموزشی ، هنر و تفکرات و آموزه های جدید، اتخاذ میشود و اصلاً در میادین کار ماهیت می پذیرد.
2. فرهنگ مربوط بیک بخش از جهان نیست وقتی هویت و ماهیت و اثر سازنده خود را نشان داد ، بالاترین جنبه جهان شمولی را پیدا میکند ، سکوی های جدید ( the new platforms ) و فعالیت های سازمان یافته ( forced campaigns ) و پرفشار ، نقادی ( criticized speech ) ها، تنوع تبلیغات ( Diversity Advertising ) ، نوآوری ( Innovation ) و باور سازی های اعتقادی ( Believing of belief ) و نظایر اینها ، عوامل گم شده برای نسل آتی است را در سکوی های بی شمار تکثیر خواهد ساخت.
3. اگر چه بسیاری از نظریه های حس- ابطالی ( Sensory revocation ) در اقتصاد و فرهنگ ، مردود شناخته شده ، ولی جایگزین های آن نظیر علت و معلول ( cause and effect ) از تک عاملی به علیت مجموعه ای ( cumulative causality ) سوق پیدا کرده و انکشاف های علمی بر اساس کمیت های نامفهوم ، پیچیده و خسته کننده بسوی مشاهدات از طبیعت و آزمون های تکنیکال و در عین حال لذت بخش و سرگرم کننده تغییر مسیر نموده و مطلوب تلقی شده و عوامل فرهنگی از این مطلوبیت های جدید نشأت میگیرد.
4. روان شناسی توسعه ای ( Developmental psychology ) که مطمع نظر اندیشمندان امروزی است ، با روانشناسی قدیم که با هنجارشناسی شخصی و ملاک های تداعی از خواب و خیال سنجش میشد و با داروهای شیمیائی مداوامیگردید ، به مفاهیم توسعه ای تغییر ماهیت داده و از توسعه محیط و از نتایج مادی و معنوی آن پیروی میکند که کارکردهای ویژه خود را دارد.
5. از نظر UN توسعه پایدار یک مفهوم پیچیده است که جنبه های مختلفی در پایداری، سه جنبه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی- فرهنگی را دربر گرفته و با هم به طور کامل در تعامل هستند و اغلب محققان در این سه جنبه اصلی ( Triple Bottom Line ) زیست محیطی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی ، توسعه پایدار را بررسی میکنند ( در این مورد کسب اطلاعات بیشتر به مرکز اطلاعات ملل متحد در کشور یا منطقه خود به آدرس ( [www.un.org/aroundworld/unics](http://www.un.org/aroundworld/unics) ) یا ( [inquiries@un.org](mailto:inquiries@un.org) ) تماس بگیرید، همچنین نشریات بسیاری از سازمان ملل متحد در دسترس مردم قرار دارند که اخبار، اطلاعات و بعضی از معتبرترین اطلاعات درباره شاخص های اقتصادی و اجتماعی در جهان ارائه می دهند. نشانی تماس برای سفارش کتاب ها و نشریات سازمان ملل متحد ( [Publications@un.org](mailto:Publications@un.org) ).
6. فرهنگ توسعه ایجادی یا تاسیسی است و ایجاب می کند ما فرهنگی داشته باشیم که موتور توسعه پایدار ما باشد، یعنی تحول فرهنگی و از طریق توسعه با سه موتور طرح شده و عناصر فرهنگی باید متحول شود ( این تحول فرهنگی همان فرهنگ توسعه است و قوانین باید بر اساس آیین و آموزه های اقتصاد مقاومتی و انقلاب صنعتی تدوین شده و با حزئیات در مقررات گنجانده شود ).

7. الگوی توسعه پایدار واقعیتی است که بر اساس القای یک روند از بالا به پایین به وجود نمی آید و گروهی خاص نمی تواند آن را برای گروهی دیگر یا مکان و زمانی دیگر تنظیم کند بلکه حالتی است که از بطن جامعه برانگیخته می شود و تمامی اجزای جامعه از قشرهای مختلف مردم تا منابع و امکانات به طور مستمر و مستقیم در آن درگیرند. بر اساس این دیدگاه، توسعه برای مردم نیست، بلکه مردم هدف توسعه هستند و در بسیاری موارد حتی منابعی برای توسعه اند.

8. ما در این مورد به خیزش اجباری نیاز داریم که فرهنگ توسعه در بستر کار مستمر و با استقلال لازم را برای توسعه پایدار فراهم می شود ( الگو ژاپن و چین در این مورد تحسین بر انگیز است )، بهر حال بخش فرهنگ در قیاس با سایر بخش های توسعه ای هر کشور، یک بخش جریان ساز، جریان پذیر، از لحاظ تعداد واژگان و مداخلیل، تمنیات انسانی، با هزاران خصیصه بارز آن، به قدری پیچیده است که نمی توان سامان دهی و متناسب کردن آن برای امر توسعه، به نصایح اخلاقی و سپردن این امر مهم به اصلاح تدریجی در فرایند های طبیعی یک کشور، بسنده کرد.

9. تا موقعی که فرهنگ توسعه به عنوان یک زمینه کارساز برای ایجاد توسعه پایدار کشور با میادین کار توسعه پیوند نخورد، امر پیشرفت فرهنگی - اقتصادی به تعویق خواهد افتاد و تعویق توسعه اقتصادی نیز، کشور را با مخاطرات جدیدتری روبرو خواهد کرد، اسلام برای توسعه فاکتورهای انگیزشی دارد ولی بکار گرفته نشده است گزاره گویی نه تکنیکال و من سعی میکنم که تکنیک های اسلامی را الگو سازی کنم مثل تکلیف و حقوق، مطلوبیت های زندگی، بهینه سازی، توسعه به سرمایه انسانی و 150 قاعده علم مفید، و اینکه همه مردم ذی نفع هستند.

10. نوآوری در تدوین استراتژیها از نظریه های آشوب و فراکتال ها، مدل های شکست های کار و شکست داده های بزرگ (3Vs (volume, variety and velocity) که من عامل ارزش (value) را به آن افزودم و مدل سازی با انتخاب فاکتور های چگالی در آمار، فازی و نظایر اینها بوده و از این تحلیل ها در مدل سازی طرح های توسعه استفاده میشود، بخش برون گرائی و پیوند ها (سنتی ها و نوپرداز ها) با نظریه های جدید، قواعد جدیدی را برای راه حل های جدید توسعه، نوع همکاری های جدید، شرکت های جهشگر (companies Springer) و جویشگر، انتخاب مشتری های جدید برابر پروتکل های لازم، کارآفرین مستقر در برنامه ریزی (Entrepreneur in Residence Program) را ایجاب میکند.

11. علم مفید با بیش از 150 قاعده نوین در تغییرات جهانی و آموزه های نوین (عناوین قواعد و شیوه های بررسی و ارزیابی انطباق علم مفید)، تغییر در ماهیت بازار از سنتی به بازار اسلامی و سایر رویکرد های نوین، در سرمایه گذاری همراه با کار و تفریحات، مشارکت های زنجیره ای با ذینفعی در محصولات نهائی و غیره در دستور کار تحقیق است، همچنین، تدبیر در قرآن با قاعده جری و انطباق و نوآوری های مدیریتی آن، تغییر در فرمول های آینده نگری، تدوین دکترین و استراتژی ها، درمانی پیشرفته (advances patient care) که هر ساله بالای 100 پاتنت جدید به ثبت میرسد، گیاه درمانی، ورزش درمانی، معنوی درمان معنوی، استاندارد های معنوی، علمی شدن غذا، غذا درمانی، حلال و غیره که وارد عرصه بازار شده است بکار گرفته میشود.

12. قواعد میان رشته ای در 40 فیلد بهم پیوسته ،کلینیک های مخاطره آمیز (venture clinics) در محل با نوع همکاری جدید ، مشخص میکند،گردشگری نگاشت + جذب توریست ، محل چالش ها و خبرها ، آشوب شناسی و هیجان ناشی از مذهب شیعه جزء نوآوری قرن بیست و یکم است ، کار بصورت پروژه ای ، چارتر کمپانی های ( The UN Charter ) متنوع در همه زمینه ها ، کلینیک های صنعتی در سه زمینه نظری ،آموزشی و عملی به عنوان مهارت های هزاره سوم ، کلینیک های روانشناسی توسعه منطقه ای و غیره بکار گرفته میشود.

13. ساختار ها بصورت مردم نهاد ها ، استارت آپ ها ، گروه های نوآوران ، ساده شدن مدل و عینی شدن مدل بجای شبیه سازی ذهنی ، الگوسازی در سازمان فرهنگ توسعه،جریان های تکوینی و غیره خواهد بود،آموزش ها همراه با روح میثاق ، قر اردادهای همکاری با بیمه گزاری های اجباری ، تضمین اشتغال زائی ،رشته های جدید میان رشته ای در فرایند های حقیقی توسعه کشور و به خصوص برای پرورش کودکان برای آینده و ایجاد انضباط های نوین *discipline focus upon development during childhood* ( childhood) خواهد بود،توسعه بر مبنای احکام اسلامی با توجه : تغییرات کیفی درخواستی های اقتصادی، یک جریان پویاست نه ایستا، نگرش مطلوب نسبت به دنیا، حاکمیت نگرش علمی و توجه به نقش عقل با شناخت فنون مربوطه، جلب مشارکت های سودآور اجتماعی برای پیشبرد اهداف، گسترش حقوق مدنی و نظایر اینها میباشد.